

* سخت‌های حکومت ستمگر عباس به امام حسن عسکری را نام ببرید؟

(مرارده سیاه)

درس یازدهم

سرو سربلند سامرا



نام زیبایی را بارها شنیده‌ام. نام اولین نوهی پیامبر چه بود؟

همان نامی که پیامبر خدا برای اولین نوهی عزیزش گذاشت: «حسن».
در مدینه به دنیا آمدی؛ شهر زیبای پیامبر. **محل تولد امام هادی کجاست؟**
از کودکی یار و همراه پدر گرامی‌ات بودی.

سختی‌هایی را که حکومت ستمگر عباسی برای او ایجاد می‌کرد با چشم خویش می‌دید؛
هجوم آوردن به خانه، بازرسی کردن و به هم ریختن خانه و ...
پدرت امام هادی علیه‌السلام خیلی دوستت داشت و تو را چقدر خوب تربیت کرد تا
راهش را ادامه بدهی و پرچم هدایت مردم را به دوش بگیری.

خلیفه‌ی عباسی در سامرا در کاخی بزرگ بر تخت قدرت تکیه زده بود. او نمی‌توانست
پدرت را تحقل کند و نمی‌خواست او را آزاد بگذارد.

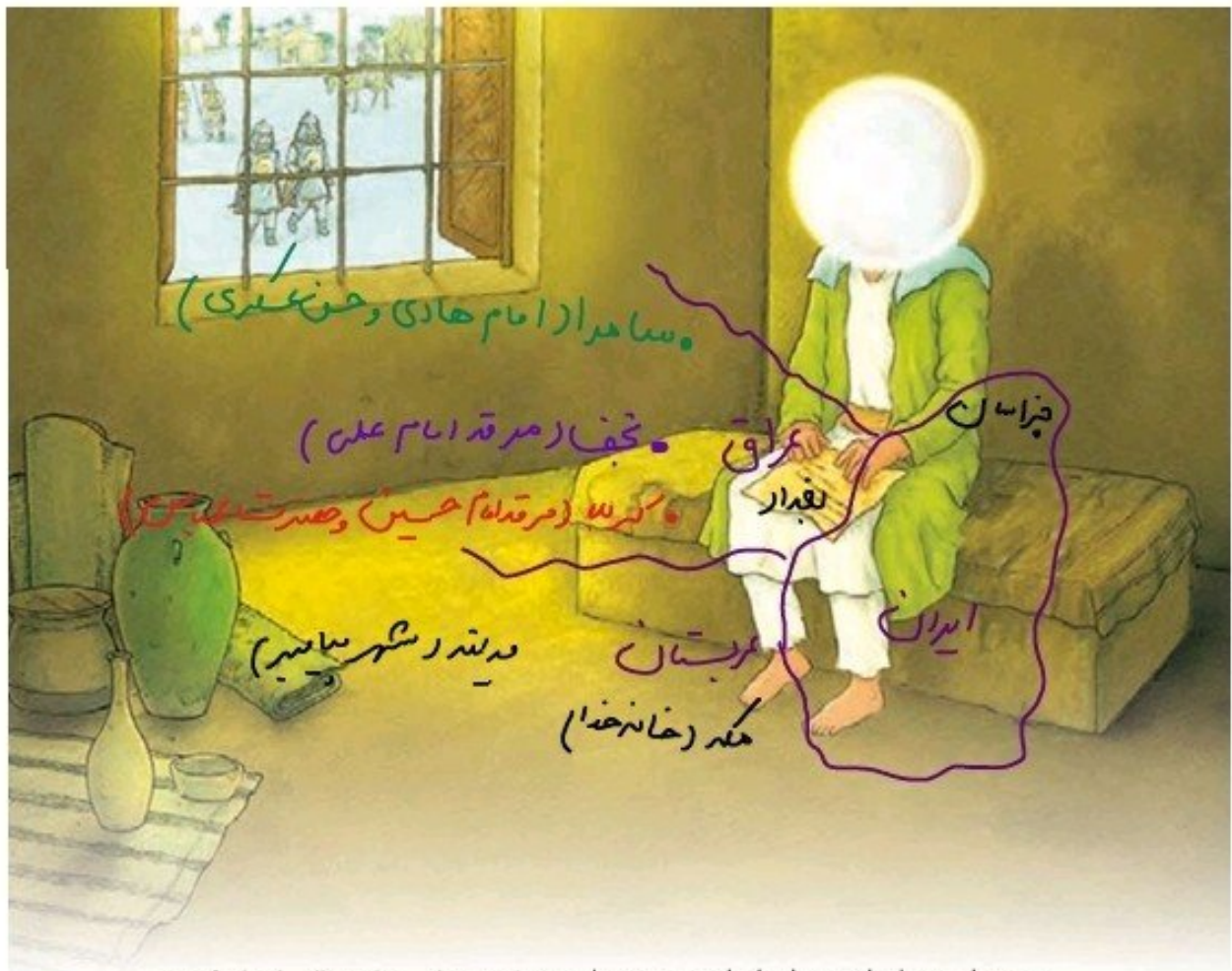
خلیفه دستور داد تا پدر بزرگوارت را با زور و اجبار از مدینه به سامرا بیاورند و شما
نیز در کنار او بودی. **امام هادی را از کجا به کجا تبعید کردند؟**

سال‌ها پیش حاکمان ستمگر عباسی، نیاکان پاک شما را نیز به زور از شهر مدینه
بردند؛ **امام کاظم و امام رضا را از کجا به کجا تبعید کردند؟**

امام کاظم علیه‌السلام را به بغداد و امام رضا علیه‌السلام را به خراسان.

وقتی به سامرا رسیدید در جایی امن و آرام نبودید؛ بلکه شما را در محله‌ی «عسکر»
یعنی منطقه‌ی نظامیان سکونت دادند؛ جایی که همیشه صدای شیبه‌ی اسب‌های
لشکریان و فریاد فرماندهان و صدای چکمه‌های سربازان و شمشیرها و نیزه‌ها به
گوش می‌رسید. حاکمان عباسی می‌خواستند همیشه زیر نظرشان باشید.

امام حسن عسکری را در
چه محله‌ای سکونت دادند؟



پدرت را در سامرا به زندان انداختند و شما در سنّ نوجوانی جای خالی او را پرکردی. هم مراقب مادر و خانواده‌ات بودی و هم مرتی و راهنمای مردم.

همین که بهار جوانی‌ات آغاز شد، پدرت را به شهادت رساندند و شما جانشین او و

امام مردم شدی. **امام هادی (پدر امام حسن عسکری) را در چه سنی به شهادت رساندند؟**

از همان اولین روزهایی که به امامت رسیدی، آزار و اذیت‌های حکومت شدیدتر شد!

جاسوس و مأمور اطراف خانه‌ات گذاشتند تا دوستانت را شناسایی کنند.

پاران و دوستانت را دستگیر می‌کردند و به زندان می‌انداختند یا شهید می‌کردند.

شما مخفیانه برایشان نوشتی: «وقتی مرا در میان شهر می‌بینید به من سلام

ندهید و با دست به من اشاره نکنید که جانتان در خطر است».

آه چقدر جانسوز بود چهره‌ی درخشان شما را دیدن و سلام را فرو بردن!

امام حسن عسکری مخفیانه به دوستانش چه نامه‌ای ارسال کردند؟

با وجود همه‌ی ستم‌ها و سختی‌ها، باز از هدایت مردم دست نکشیدی. مخفیانه برای مردم نامه می‌نوشتی و با کلمات نورانی و امیدبخش، نور ایمان را در دلشان زنده نگه می‌داشتی.
شما سرو سریلندی بودی که مردم ستم‌دیده‌ی سامرا می‌توانستند در سایه‌ی پُرمهرش، آرام گیرند.

برایم بگو

چرا خلیفه‌ی عبّاسی از آزادی امام حسن عسکری علیه‌السلام و ارتباط او با مردم

می‌ترسید؟ زیرا امام محبوب مردم بود و خلیفه عبّاسی از ارتباط امام با مردم هراس داشت چون مردم دست‌نخورده‌ی امام با عیب بیداری مردم می‌سوزد و او نمی‌تواند دستگیر مردم حکومت کند.
ایستگاه خلاقیت
و خوش‌نظرانه‌های آنها با این می‌باشد.

این داستان را بخوانید. برای آن یک عنوان انتخاب کنید و آن را به صورت نمایش در کلاس اجرا کنید.

سهراب بن و معونت امام

ترس در چشمان رئیس زندان موج می‌زند.
حاکم عبّاسی با عصبانیت به او می‌گوید: ما امام شیعیان را حبس کردیم؛ او را به تو سپرده‌ایم اما تو بر او سخت نمی‌گیری ... چرا؟ ...
رنگش پریده و لب‌هایش به هم چسبیده است. آب دهانش را به زحمت فرو می‌برد و با صدایی لرزان می‌گوید:

– من ... من چه کار ... می‌توانم بکنم؟

– چه کار می‌توانی بکنی؟ ... این همه راه برای اذیت و آزار او وجود دارد ...

با درماندگی می‌گوید: من ... او را به دست دو نفر از بد رفتارترین افرادم سپردم ... ولی ...

- ولی چه؟! ... حرف بزن!
- ولی هر دوی آنها ... از هواداران حسن بن علی شده‌اند.
- چه می‌گویی؟ ... هر چه زودتر دستور بده آنها را بیاورند.

رفتار امام حسن عسکری در زندان چگونه بود؟

حاکم عباسی با خشم بر سر دو زندانبان فریاد می‌زند.

- وای بر شما! ... این چه برخوردی است که با امام شیعیان دارید؟ ... شما به جای

اینکه او را آزار دهید، خودتان هم شبیه او شده‌اید؟

یکی از زندانبان‌ها با آرامش و شجاعت می‌گوید: ما دربارهی مردی که روزها روزه

می‌گیرد و شب‌ها را تا صبح به عبادت خدا مشغول است، چه می‌توانیم بگوییم؟

دیگری ادامه می‌دهد: از نگاهش مهربانی و عطوفت می‌بارد ... ما را به سفرهی

ساده‌ی خویش دعوت می‌کند و همواره برای ما دعا می‌کند.

حاکم عباسی خشمگین و مضطرب است و احساس ذلت می‌کند.

همه سکوت کرده و سرها را به زیر انداخته‌اند. همه نگرانند.



ایستگاه فکر

❁ با توجه به داستان های درس، چند نمونه از ویژگی های امام حسن عسکری علیه السلام را بنویسید.



❁ دوست داری کدام یک از این رفتارها را بیشتر در خودت ایجاد کنی؟ بر عمده دانش آموز

کامل کنید

❁ اگر من به زیارت امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام

در سامرا بروم از این دو امام می خوامم فرزندانم زودتر ظهور
کنند تا چون پدر از عدل و داد ستود...

❁ به نظر من چیزی که باعث می شد امام حسن عسکری علیه السلام در

زندان های تنگ و تاریک امیدوار باشد این بود که همیشه مسفول را زوینار
با خدای خویش بود، ایمانش قوی بود و از قتل سخن ها
و مسفلات در خدا ترسی به دل راه نبرد.

تدبیر کنیم

امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید:

از نظر امام حسن عسکری بهترین دوست کسیست که

بهترین دوست تو کسی است که اشتباه تو را فراموش کند و نیکی تو را از یاد نبرد.

چه ارتباطی میان سخن امام و این جمله وجود دارد:

«همیشه نیمه‌ی پر لیوان را ببین.»
 همدردی آنها ما را به دیرین خوبی‌ها و دانستن امید در زندگی دلموت می‌زند.

با خانواده

با کمک اعضای خانواده درباره‌ی این تصاویر، متنی کوتاه بنویسید و در کلاس بخوانید.
 اطلاعات زیر را درباره‌ی زندگی امام حسن عسکری علیه السلام جمع‌آوری کنید و به کلاس گزارش دهید.

نام: **حسن**

محل تولد: **مدینه (عربستان)**

نام پدر: **امام هادی (ع)**

نام پدر بزرگ: **امام جواد (ع)**

مدت امامت: **۶ سال**

شهرهایی که در آن زندگی کرده‌اند: **مدینه و سامرا**

دشمنان ایشان: **خلیفه عباسی**

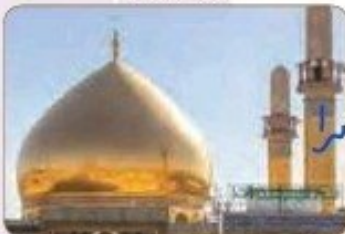
محل دفن: **سامرا (عراق)**



حرم امام حسن عسکری (ع)، سامرا، سال ۱۳۸۱ هجری شمسی



حرم امام حسن عسکری (ع)، سامرا، سال ۱۳۸۴ هجری شمسی



حرم امام حسن عسکری (ع)، سامرا، سال ۱۳۹۹ هجری شمسی

حرم امام حسن عسکری را
بیماران نترسند.